

The relationship between personality traits and intimacy as predictors of divorce tendency in women living in Tehran

Mohamad Beheshtian*

Fatemeh Abdi**

Abstract

Given the importance that personality traits and intimacy can have in predicting divorce, the purpose of this study was to investigate the relationship between personality traits and intimacy as predictors of divorce tendency in women. The divorce was filed in Tehran in 2018. The statistical population of this study included all women seeking divorce in the city of Tehran in the year 2018. The sample consisted of 350 individuals who were selected by multistage sampling. Data were collected using two long form Personality Inventory (NEO), baggage intimacy questionnaire. Statistical analysis of the results showed that personality traits and intimacy at 0.01 level can predict divorce in women. The results of this study showed that personality traits and styles of intimacy positively predict divorce. It also decreases with increasing individual scores on personality traits and intimacy of divorce.

Keywords: Divorce, Personality traits, Intimacy, Women.

* Assistant Professor at Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS), (Corresponding Author)
beheshtian.ir@gmail.com

** PhD Candidate (Psychology) at Islamic Azad University, Karaj Branch, Fa.abdi@gmail.com

Date received: 02/02/2021, Date of acceptance: 14/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های میل به طلاق در زنان ساکن شهر تهران

محمد بهشتیان*

فاطمه عبدی**

چکیده

با توجه به اهمیتی که ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت می‌تواند در پیش‌بینی طلاق داشته باشد؛ هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بوده است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زنان متقاضی طلاق و عادی شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۷ می‌باشد. نمونه مورد نظر شامل ۳۵۰ نفر بود که به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسش‌نامه شخصیت (NEO) فرم بلند، پرسشنامه صمیمیت باگروزی استفاده شده بود. تحلیل آماری نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت در سطح ۰/۰۱ توان پیش‌بینی طلاق را در زنان دارند. نتایج این پژوهش نشان داد ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های صمیمیت به صورت مثبت طلاق را پیش‌بینی می‌کند. همچنین با افزایش نمره فرد در ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت طلاق کاهش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: طلاق، ویژگی‌های شخصیتی، صمیمیت، زنان.

* استادیار روان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

beheshtian.ir@gmail.com

** دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی کرج، کرج، ایران، Fa.abdi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

خانواده اصلی ترین هسته ی هر جامعه و کانون حفظ سلامت روان (Mental health) و بهداشت روانی است. نه تنها محل یافتن نیازهای عاطفی، مادی، تکاملی و معنوی اعضای خود است، بلکه مبدا بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه ترین روابط و تعاملات بین فردی است (Zandbergen & Brown, 2015: 122-7). وجود یک جامعه سالم وابسته به تشکیل خانواده های پایدار، پویا و با نشاط است و تحقق خانواده ی سالم مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روان و داشتن روابط مطلوب با یکدیگر است. لذا روابط بین زوجین یکی از مهمترین تعیین کننده های عملکرد خانواده سالم است (هدایتی و صابری، ۲۰۱۴: ۵۱۱-۲۷). عوامل مختلفی بر روی پایداری ازدواج و روابط زوجین تاثیر می گذارد که اگر یکی از این عوامل کارکرد درستی نداشته باشد باعث بروز اختلاف و مشکل در روابط زوجین و در نهایت طلاق (Divorce) می شود. روانشناسان کوشیدند عواملی که می تواند احساس رضایت افراد در زندگی مشترک را افزایش دهد و کاهش طلاق می شود را شناسایی کنند. نتایج این پژوهش ها، گروهی از عوامل را تضمین کرده است که در سه عنوان کلی دسته بندی می شود:

- الف) عوامل درون فردی: مانند ویژگی های شخصیتی (characteristics Personality) و همانندی سطح هوشی افراد
- ب) عوامل بین فردی: مهارت حل مشکل (Problem solving skills) و سبک های دل بستگی (Attachment Styles) و صمیمیت (Intimacy) بین افراد.
- ج) عوامل پیرامونی: مانند سطح برخورداری اقتصادی، نوع شغل (صیادپور، ۱۳۸۴، ۱۹-۴۱ / (۳)۱).

در بین تمامی عوامل شناخته شده، عوامل درون فردی نظیر ویژگی های شخصیتی و عوامل بین فردی نظیر صمیمیت نقشی تاثیرگذار در پایداری خانواده و کاهش طلاق ایفا می کنند. اصولاً هر کسی خصوصیات، منش، توانایی ها و ویژگی های منحصر به فردی دارد که الگوهای رفتاری، شیوه های پاسخ دهی و واکنش های وی را به محیط درونی و بیرونی نشان می دهد که این خصوصیات، شخصیت وی را شکل می دهند. منظور از ویژگی، یک خصوصیت نسبتاً پایدار است که باعث می شود افراد به شیوه های

خاصی رفتار کنند (Quirk, 2015: 201-212). یک رویکرد معتبر برای اندازه‌گیری صفات شخصیتی، مدل پنج عامل بزرگ شخصیتی است. روان رنجوری (Neuroticism)، برون‌گرایی (Extraversion)، توافق‌جویی (Agreeableness)، وظیفه‌شناسی (Conscientiousness) و گشودگی (Openness to experience) ابعاد اصلی مدل پنج‌گانه شخصیت می‌باشند (Trull & Widiger, 2013). در این طبقه‌بندی، افرادی که دارای ویژگی‌های عاطف مثبت یا برون‌گرایی هستند، افرادی سرزنده، پر جنب و جوش و اجتماعی می‌باشند. افراد بسیار عصبی (روان رنجور) یا افرادی که دارای احساسات منفی بالایی هستند، در روابط خود مضطرب و متزلزل می‌باشند. افراد با ویژگی وظیفه‌شناسی بالا، افرادی مسولیت‌پذیر، متمرکز و سازمان‌یافته هستند. افراد سازگار (توافق‌جو)، افرادی متفکر، مهربان و حامی هستند. گشودگی نسبت به تجربیات (خرد)، ویژگی افراد مبتکر و خلاق می‌باشد (Sodermans, Corijn, Vanassche, Matthijs, 2016: 21-35). صمیمیت به عنوان توانایی ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می‌شود. این گونه تعاریف مبتنی بر خویش‌شناسی حاکمی از آن است که فرد به درجه‌ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند. صمیمیت را می‌توان به عنوان توانایی شناخت خود در حضور دیگران دانست که خودآگاهی و رشد هویت، برای ظرفیت قابلیت شخص در جهت صمیمیت، بسیار ضروری است. مفهوم پردازی رایج از صمیمیت، سطح نزدیکی به همسر، به اشتراک‌گذاری ارزش‌ها و ایده‌ها، فعالیت‌های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن است. فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند، قادر است خود را به شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند (رابهیان، ۲۰۱۵). اگر هر کدام از این عوامل کارکرد خود را به درستی ایفا نکنند، باعث بروز مشکل در روابط خانوادگی و زناشویی و در نهایت منجر به طلاق می‌شود. طلاق یک فرایند طولانی مدت است که با آشفتگی و نارضایتی در ازدواج شروع و با جدایی خاتمه می‌یابد (Fizi, Cohen & Ram, 2000: 20-1). طلاق بر روی تمام افراد در خرده‌نظام خانواده و روابط آن خرده‌نظام با خرده‌نظام‌های دیگر تاثیر می‌گذارد (Avidan, Yahiy, Green & Baum, 2009: 30-46).

پژوهش‌های متعدد، نشان‌دهنده آثار و عوارض منفی جسمی، روانی، اخلاقی و اجتماعی طلاق برای مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و اجتماع می‌باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اختلالات روانی در بین افراد مجرد، بیوه، جدا شده و طلاق گرفته، بیش از

افراد متاهل بوده و خطر طلاق برای ایجاد افسردگی (Depression) بیشتر از بیوه شدن است (ظهیرالدین و خدایی فر، ۱۳۸۲: ۷/۷-۱). اما پیامدهای منفی طلاق بر روی زنان تاثیر مخرب‌تری را دارد. از پیامدهای طلاق بر زنان مطلقه، میتوان به کیفیت زندگی پایین، نگرش اخلاقی منفی نسبت به زنان مطلقه از سوی جامعه (Amato & Booth, Jonson & Rogers, 2008)، گرایش به سمت مواد مخدر (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۹/۱۴۰-۱۰۹)، افسردگی بیشتر زنان مطلقه در مقایسه با مردان (صادقی، ۱۳۸۹) دانست.

افزایش نرخ طلاق در جهان و ایران، باعث ایجاد نگرانی‌های مختلفی شده است، چراکه طلاق، دارای آثار و پیامدهای متفاوتی از جمله فرهنگی، اجتماعی، روانی و اقتصادی است و زندگی خانواده از جمله فرزندان را در آینده متاثر می‌نماید. از طرفی زنان جامعه نسبت به طلاق آسیب پذیرتر نسبت به مردان می‌باشند به خاطر هزینه‌ها و آثار و پیامدهای زیاد طلاق و آثار زیان باری که بر زندگی زنان جامعه تحمیل می‌کند؛ لذا بررسی و پیدا کردن علل و عوامل آن و تلاش جهت کنترلش، ضرورتی انکارناپذیر است.

۲. بیان مسئله

پایه‌های اساسی خانواده را سنت دیرینه‌ی ازدواج تشکیل می‌دهد (رفاهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۳/۱-۱۱۷). خانواده را موسسه یا نهاد اجتماعی معرفی کرده‌اند که ناشی از پیوند زناشویی زن و مرد است. از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل‌های سالم و سازنده میان انسان‌ها و برقرار بودن عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یک‌دیگر است. خانواده محل ارضای نیازهای مختلف جسمانی و عقلانی و عاطفی است و داشتن آگاهی از نیازهای زیستی و روانی و شناخت چگونگی ارضا آنها و تجهیز شدن به تکنیک‌های شناخت تمایلات زیستی و روانی ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد. رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت وی از خانواده محسوب می‌شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه تسهیل در امر رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی خواهد شد. با این حال بعضی از این روابط گاهی اوقات نمی‌توانند به همه نیازهای فرد پاسخ دهند و ازدواجی که با شور، عشق و علاقه شروع شده به خشم، نفرت، تنهایی و در نهایت طلاق می‌انجامد.

آمار طلاق در یک دهه اخیر در جهان رو به افزایش بوده است. متأسفانه با تغییر سبک زندگی و پیشرفت جامعه، آمار طلاق نیز در ایران افزایش یافته است. به همان میزان که طلاق در زندگی خانوادگی رو به افزایش است، آثار و پیامدهای آن نیز هر روز بیش از گذشته حیات جامعه و سلامتی افراد جامعه را تهدید می‌کند. در این میان، می‌توان به پیامدهای طلاق بر زنان مطلقه اشاره نمود. طلاق و فروپاشی زندگی، منجر به برهم خوردن تعادل روانی-عاطفی افراد می‌گردد و از آنجا که استرس بسیار شدیدی محسوب می‌شود، ابتلا به اختلالات روانی به خصوص در زنان که ظرافت عاطفی صفت شاخص تشکیل‌دهنده شخصیت آنان می‌باشد، امری بسیار محتمل است (قدوسی، ۲۰۰۲). امروزه تعداد زنانی که همسران خود را بر اثر طلاق از دست داده‌اند و مجبور هستند به تنهایی مسئولیت فرزندان را بر عهده بگیرند، رو به افزایش است. این زنان به دلیل فشارهای اجتماعی و اقتصادی، احساس درماندگی می‌نمایند و با وجود برخی حمایت‌های مالی دولتی و غیر دولتی، اغلب زندگی محدود و دردناکی دارند و ویژگی‌های منفی زندگیشان، موجب عدم احساس شادی و افسردگی آنان می‌گردد (Mptiee, 1999). عوامل زیادی وجود دارند که بر تصمیم‌های مربوط به طلاق تاثیر می‌گذارند، زوجها هم نیازهای شخصی و هم تاثیرهای اجتماعی، فرهنگی را با خود به درون ازدواج می‌آورند. با وجود این ممکن است که مشکلات رابطه‌ای زمینه‌ساز اصلی همه مسائل باشند (Bernstein, 1986). بررسی دلایل وقوع طلاق یکی از راه‌های پیشگیری از این معضل است. شناخت عواملی که زمینه را برای بروز اختلافات زناشویی و جدایی فراهم می‌کند، کلید اصلی برای کاهش مشکلات زناشویی و آمار طلاق در جامعه است. از طرفی آگاهی از متغیرهای موثر بر طلاق می‌تواند باعث ارتقای کیفیت زندگی زناشویی، کاهش تعارضات زناشویی و استحکام زندگی مشترک بین زوجین شود و مسلماً چنانچه ریشه‌ها و علل یک پدیده موردشناسایی قرار گیرند، خود می‌تواند راه مقابله با آن و یا جلوگیری از وقوع آن باشد. ازدواج به عنوان یکی از رویدادهای مهم مرحله انتقال به بزرگسالی مقوله‌ای بسیار پیچیده است. هنگامی که کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند. این روند در ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت، واقعه حقوقی طلاق می‌شود.

شخصیت به سازمان پیچیده‌ای تمایلات و ویژگی‌هایی اشاره دارد که با برآیندهای مهم زندگی از جمله تندرستی، ازدواج مرتبط است. ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند بر رضایت‌مندی زندگی زناشویی، پایداری ازدواج و نیز طلاق تاثیر بسزایی داشته باشد. ویژگی‌های شخصیتی مجموعه‌ای از شاخصه‌ها و فاکتورهای نسبتاً پایداری است که افراد با توجه به برخورداری از هر یک از این ویژگی‌ها به سبک‌های مختلفی عمل می‌کنند (Mehta, 2212: 321-28). منظور از ویژگی‌های شخصیتی آمادگی کلی انسان در رفتار به سبکی خاص می‌باشد. به طور کلی تعریف ویژگی‌های عمومی شخصیت در زندگی روزمره، به صفاتی پایدار در خلال زمان باز می‌گردد که از موقعیتی به موقعیت دیگر تغییر چندانی نکرده و به ماهیت وجودی فرد اشاره دارد. به طور عام، رفتار ما تحت تاثیر ویژگی‌ها و توانایی‌های شناختی و هیجانی قرار دارد. برای پیش‌بینی رفتار، باید چنین ویژگی‌هایی به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرند. از آنجایی که ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند در موفقیت یا شکست ازدواج تاثیرگذار باشد. شکست یا موفقیت در رابطه زناشویی را می‌توان از روی تفاوت هر کدام از متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی کرد (زارعی محمود آبادی، ۱۳۹۱: ۴).

روابط توأم با صمیمیت منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی در زندگی است. صمیمیت، احساس نزدیکی، تشابه و رابطه‌ی شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است و مستلزم شناخت و درک عمیق فرد دیگر به منظور بیان افکار و احساساتی است که به عنوان منشأ تشابه و نزدیکی به کار می‌رود. صمیمیت در ازدواج بسیار بارز است؛ زیرا رابطه‌ی محکم زوجین در زندگی، به طور مثبتی سازگاری و رضایت زناشویی را به همراه دارد. روابط توأم با صمیمیت منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی در زندگی است. صمیمیت یکی از نیازهای زندگی زن و شوهری است و در عین حال از ویژگی‌های بارز یک زوج موفق و شادمان است. صمیمیت یک فرایند تعاملی است، محور این فرایند شناخت، درک، پذیرش، همدلی با احساسات فرد دیگر، قدردانی یا پذیرش دیدگاه منحصر به فرد دیگر از دنیاست. صمیمیت تنها یک تمایل یا آرزو نیست، بلکه یک نیاز اساسی و واقعی انسان است (زاهدبابلان و مرادی، ۱۳۹۳). رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد یا به عبارتی، زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند، ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با

مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری تجربه کنند (Patrick, 2007: 359-367).

پدیده طلاق یکی از مسائل عمده جوامع امروزی است که تمامی زندگی فعلی و آینده فرد را در بر می‌گیرد. این خود هشداری است برای جامعه ما که روز به روز به تعداد افرادی که به دادگاه خانواده و مراکز خدمات روانشناسی و مشاوره ای مراجعه می‌کنند، افزوده می‌شود. ولی متأسفانه تمهیدات جدی و پژوهش‌های کارساز که بتواند راه حل‌های مؤثر به کاهش ناسازگاری که منجر به طلاق می‌شود، انجام نگرفته است. شکست در ازدواج هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و هیجانی زیادی را به بار می‌آورد، بر این اساس - شناخت و بررسی عواملی که منجر به استحکام بنیان خانواده و کاهش میزان طلاق در این نهاد اجتماعی می‌گردد، می‌تواند اثری سودمند در ارتقای شاکله کلی این جامعه ایفا کند. در واقع چنانچه ریشه‌ها و علل یک پدیده شناسایی شوند، راه مقابله با آن و جلوگیری از وقوع آن هموارتر می‌شود. بنابراین برای گسترش ازدواج سالم در جامعه و کمک به حفظ و دوام زندگی زناشویی لازم است ریشه‌های پدیده طلاق شناسایی و برطرف شوند. بنابراین پژوهش حاضر با هدف رابطه ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت در پیش بینی طلاق در زنان انجام گردید.

۳. هدف تحقیق

- بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت در پیش بینی طلاق زنان

۴. فرضیه تحقیق

- بین ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت در پیش بینی طلاق زنان رابطه وجود دارد.

۵. مروری بر پژوهش‌های پیشین

امانی، مجذوبی و هادیان (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان دادند که زنان مطلقه و زنان عادی در صفات شخصیتی روان‌نژندی و باز بودن به تجربه بسیار متفاوت هستند. بنابراین، موفقیت یا شکست ازدواج می‌تواند بر اساس این دو ویژگی پیش‌بینی شود.

فاکرخراسانی، داوودآبادی، ذاکری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی مقایسه ویژگی‌های شخصیتی در زنان متقاضی طلاق و عادی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی موافق بودن و روان‌آزردگی (نوروزگرایی) در زنان متقاضی طلاق بیش‌تر و برونگرایی در آن‌ها کمتر بود، همچنین در افراد متقاضی طلاق بیشتر از گروه عادی مشاهده شد.

زاهدبابلان و مرادی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود نشان دادند که میانگین نمرات صمیمیت دو گروه زوجین عادی و در حال طلاق تفاوت معناداری داشته است.

رضایی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند که صمیمیت از عوامل موثر در ثبات و عدم ثبات یک ازدواج می‌باشد.

زارعی محمودآبادی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که شکست و موفقیت در رابطه زناشویی را می‌توان از روی تفاوت در سبک‌های دلبستگی زوجین و همچنین تفاوت نمرات زوجین در هر کدام از متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی کرد.

شکرکن و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی ویژگی‌های شخصیتی به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست زندگی زناشویی دریافتند، تفاوت زوجین متقاضی طلاق در هرپنج ویژگی روان‌آزرده‌خویی، برونگرایی، تجربه‌پذیری، موافق بودن و با وجدان بودن به‌طور معناداری بیش از زوجهای عادی است.

رابهیان (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در بین زوجین به این نتیجه دست یافت که بین صمیمیت و رضایت زناشویی زوجین رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد.

دکواپر (Decuyper) و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی با موفقیت رابطه زناشویی، ارتباط دارند.

مینوت (Minnett) و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که صمیمیت یکی از مولفه‌های مهم رضایت زناشویی است و بر روی سایر نقش‌های زوجین مانند نقش والدینی و نقش کار تاثیرگذار است.

داینفورت (Dyrenforth) و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش طولی خود به این نتیجه دست یافتند که رضایت زناشویی بیش از همه، از ویژگی‌های شخصیتی زوجین متأثر است.

بلموم (Bloom) و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که برخورداری از صمیمیت در بین زوج‌های متأهل، از عوامل مهم ایجاد ازدواج پایدار است و اجتناب از برقراری روابط صمیمانه از عواملی است که موجب شکست در زندگی خانوادگی خواهد شد.

۶. روش تحقیق

پژوهش حاضر کمی، توصیفی، همبستگی از نوع پیش بین است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زنان متقاضی طلاق و عادی شهر تهران در سال ۱۳۹۷ می‌باشد. برای انتخاب آن‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید. به این صورت که ابتدا از بین دادگاه‌های خانواده شهر تهران ۴ مجتمع (مجتمع قضایی خانواده ۱، مجتمع قضایی خانواده ۲، مجتمع قضایی ونک، مجتمع قضایی شهید صدر) و از بین زنان متقاضی طلاق در هر یک از این مجتمع‌ها، ۶۰ نفر به تصادف انتخاب گردید (با توجه به احتمال ریزش نمونه و عدم تمایل به همکاری تعدادی از افراد، نمونه بیشتری انتخاب شد). دعوت نامه شرکت در تحقیق به ۲۴۰ نفر انتخاب شده داده شد، از بین این افراد ۲۰۰ نفر که تمایل به تکمیل پرسش‌نامه داشتند، به عنوان نمونه نهایی گروه متقاضی طلاق زنان پژوهش انتخاب گردیدند. جامعه زنان عادی افراد متاهلی بودند که در تاریخ مذکور در شهر تهران در حال ادامه زندگی بودند و تاکنون سابقه مراجعه به دادگستری یا اورژانس اجتماعی برای حل اختلاف زناشویی نداشتند. برای انتخاب زنان عادی از روش نمونه‌گیری تصادفی در بین پارک‌های شمال و جنوب، غرب و شرق استفاده شده و پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت که در نهایت ۱۵۰ پرسشنامه به طور کامل پر شده بود.

۷. ابزار پژوهش

الف. پرسشنامه ۵ عاملی شخصیت (NEO) فرم بلند

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت NEO از کاستا و مک کری (McCrae & Costa, 1989-) (1992) به پرسشنامه شخصیت تجدید نظر شده NEO(NEO-PI-R) و پرسشنامه پنج عاملی NEO FFI (NEO) توسعه پیدا کرده است (Rosellini & Brown, 2010).

نسخه تجدید نظر شده ی پرسشنامه ی شخصیتی نئو NEO-PI-R نوعی پرسشنامه خودسنجی ویژگی‌های شخصیتی است مبتنی بر یک الگوی معروف شخصیتی به نام مدل پنج عاملی است (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۰). که هدف آن ارزیابی پنج بعد از:

(الف) روان رنجورخویی (N): تمایل برای تجربه کردن عواطف منفی و پریشانی و غم روانی در پاسخگویی به عوامل استرس زا

(ب) برونگرایی (E): درجه اجتماعی بودن، تهییج پذیری مثبت و فعالیتهای کلی

(ج) گشودگی برای تجربه (O): سطوح حس کنجکاوی، قضاوت و محافظه کاری

(د) توافق پذیری (A): نوع دوستی و همدلی و تمایلات و گرایشات همکاری

(و) وجدان (C): سطح اول خود کنترلی در برنامه ریزی و سازمان می‌باشد. فرض شده است که این پنج بعد به طور متعامد نسبتا با هم ارتباط دارند (روزالین و براون، ۲۰۱۰).

این نسخه حاوی ۲۴۰ ماده (۸ ماده برای هریک از ۲۰ جنبه یا ۴۸ ماده برای هریک از پنج حیطه) است. پاسخگویان هر یک از ۲۴۰ جمله را بر مبنای یک مقیاس طیف لیکرت پنج قسمتی (کاملا مخالفم=۵، مخالفم=۴، نظری ندارم=۳، موافقم=۲، کاملا موافقم=۱) درجه‌بندی می‌کنند (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۰).

این پرسشنامه توسط مک کری و کاستا در اصل برای جمعیت بهنجار تهیه شد و در طی دهه گذشته بیشترین استفاده در کاربست‌های پژوهشی و بالینی را داشته است. ضریب آلفای گزارش شده توسط آنان ۰/۷۴ تا ۰/۹۸ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است. درحالی که در تحقیق بنچارد (Bencharad) و همکاران (۱۹۹۹) این ضرایب در روان آزرده‌گرایی ۰/۸۵، برونگرایی ۰/۷۲، در گشودگی ۰/۶۸، برای موافق بودن ۰/۶۹ و برای باوجدان بودن ۰/۷۹ بوده است (Eggert, Levendosky & Klump, 2007: 149-155).

مک کری و کاستا (۱۹۸۹) اظهار می‌دارند که ابزار کوتاه شده (NEO- FFI) با فرم کامل آن تطابق دقیقی دارد به طوری که مقیاس‌های فرم کوتاه، همبستگی بالای ۰/۶۸ را با مقیاس‌های نسخه فرم کامل پرسشنامه نئو دارند. در ایران نیز حق شناس (۱۳۸۷) بر روی

نمونه ۵۰۲ نفری جمعیت شیراز به نتایج زیر رسید: ضرایب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳ و جدان گرای (مسئولیت پذیری)، ۰/۷۱ توافق پذیری، ۰/۵۷ گشودگی (تجربه گرایی)، ۰/۷۱ برون گرایی، ۰/۸۱ روان رنجوری و اعتبار آزمون مجدد در فاصله ۶ ماه برابر ۰/۵۳ روان رنجوری، ۰/۶ توافقی بودن، ۰/۷۶ گشودگی (تجربه گرایی) ۰/۷۴ برون‌گرایی به دست آمد (روشن چسلی، شعیری، عطری فرد، نیکخواه، قائم‌مقامی و رحیمی‌راد، ۱۳۸۵: ۲۶-۳۷/۱۶).

ب. پرسشنامه سبک‌های صمیمیت باگاروزی (۲۰۰۱)

یک ابزار ۴۱ سؤالی است که برای سنجش نه بعد صمیمیت زناشویی؛ هیجانی، عقلانی، جسمانی، اجتماعی - تفریحی، زیباشناختی، جنسی، معنوی، روان شناختی و صمیمیت در گذران وقت استفاده می‌شود. برای تعیین روایی محتوی و صوری، این پرسشنامه در اختیار ۱۵ نفر از اساتید مشاوره و ۱۵ زن و شوهر قرار گرفت. آنان نظر اصلاحی خود را ارائه نمودند و روایی محتوی آن را تأیید کردند. سپس اصلاح نهایی پرسشنامه بر روی ۳۰ زن و شوهر اجرا شد. ضریب پایایی کل با روش کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد. در این پرسش‌نامه برای هر یک از ابعاد صمیمیت به جز بعد معنوی که ۶ سؤال دارد، ۵ سؤال جهت ارزیابی در نظر گرفته شده است و در یک طیف ۱۰ گزینه ای از ۱ (ابتدا این نیاز در من وجود ندارد) تا ۱۰ (کاملاً این نیاز در من قوی است) درجه بندی شده است. برای هشت بعد صمیمیت نمرات عددی محاسبه شده که با جمع نمرات هر بعد، نمره صمیمیت کلی به دست می‌آید. کمترین نمره ۴۱ و بیشترین نمره ۴۱۰ می‌باشد که پس از تبدیل به درصد کمتر از ۰/۳۳ صمیمیت کم و ۳۳ تا ۶۶ متوسط و بالای ۰/۶۶ صمیمیت بالا در نظر گرفته شد. در ایران، اعتمادی (۲۰۰۵)، روایی همزمان پرسشنامه سبک‌های صمیمیت باگاروزی را ۰/۵۸ بدست آورد. در مطالعه‌ای دیگر خمسه و حسینیان (۱۳۸۶) در تعیین پایایی پرسش‌نامه با روش بازآزمون، ضریب آلفای کرونباخ را برای صمیمیت عاطفی ۰/۸۹، صمیمیت روان شناختی ۰/۸۲، صمیمیت عقلانی ۰/۸۱، صمیمیت جنسی ۰/۹۱، صمیمیت فیزیکی ۰/۸۰، صمیمیت زیباشناختی ۰/۷۶، صمیمیت اجتماعی - تفریحی ۰/۵۱، صمیمیت معنوی ۰/۶۵ و برای صمیمیت کل ۰/۸۲ به دست آوردند. افزون بر آن، جهت تعیین روانی آزمون، این پرسش‌نامه همراه با پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی، هم‌زمان به وسیله ۳۰ زوج

پاسخ داده شد، که ضریب همبستگی بین نتایج دو آزمون صمیمیت، بیان‌گر هم‌بستگی معنی‌دار ۰/۶۵ بود.

۸. یافته‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده از اعضای نمونه با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی هم‌چون میانگین، انحراف معیار، رگرسیون چندگانه به روش همزمان در نرم افزار SPSS-24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات زنان متقاضی طلاق در متغیرهای پیش‌بینی‌کننده

زنان عادی		زنان متقاضی طلاق		متغیرهای پیش‌بینی‌کننده
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۱/۳۸	۲۱/۲۱	۴/۳۰	۳۵/۴۴	روان رنجوری
۱/۱۴	۲۰/۳۷	۳/۰۷	۳۹/۲۷	برونگرایی
۲/۸۳	۲۲/۷۰	۳/۱۴	۳۹/۸۸	گشودگی
۳/۵۵	۳۹/۹۶	۲/۱۲	۲۲/۹۶	توافق‌پذیری
۳/۱۰	۳۶/۳۷	۱/۸۳	۱۸/۴۱	وظیفه‌شناسی
۲/۹۲	۳۱/۸۱	۵/۹۲	۴۵/۷۲	صمیمیت

هم‌چنان‌که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، در متغیرهای شخصیتی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی میانگین (تفاوت) نمرات زنان در زنان متقاضی طلاق بیشتر از زنان عادی است. این بدین معنی است که زنان متقاضی طلاق در متغیرهای فوق برجسته‌تر هستند. ولی متغیرهای توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی در زنان عادی بیشتر از زنان متقاضی طلاق است. به عبارتی زنان عادی در این دو متغیر برجسته‌تر بودند. هم‌چنین در متغیر صمیمیت میانگین زنان متقاضی طلاق بیشتر از زوج‌های عادی است.

جدول ۲. تحلیل تمایز رگرسیون همزمان

مقدار F	لامبدای ویلکس	Df2	Df1	متغیر وارده شده	مرحله
۱۱۸/۰۸	۰/۸۴۱	۳۴۸	۱	روان رنجوری	۱
۸۸/۸۳	۰/۵۴۹	۳۴۸	۱	برونگرایی	۲

۹۸/۱۸	۰/۴۷۰	۳۴۸	۱	گشودگی	۳
۶۹/۲۰	۰/۵۸۱	۳۴۸	۱	توافق پذیری	۴
۳۵/۸۳	۰/۸۲۲	۳۴۸	۱	وظیفه شناسی	۵
۳۶/۶۵	۰/۷۲۴	۳۴۸	۱	صمیمیت	۶

فرضیه تحقیق بیانگر آن است که ترکیب خطی متغیرهای شخصیتی و صمیمیت موفقیت یا شکست (طلاق) زنان را در رابطه زناشویی پیش بینی می‌کند. همانگونه که در جدول ۲ آمده است، در تمام متغیرها F از نظر آماری معنی دار است ($P < ۰/۰۰۱$). لامبدای ویلکس (Wilkslambda)، مقدار عدم پیش‌بینی متغیر وابسته توسط متغیر مستقل را نشان می‌دهد که هر چه کوچک‌تر باشد بهتر است. با توجه به لامبدای ویلکز $۰/۲۳۳$ و مقدار مجذور کای $۱۳۴/۷۷$ بالا و سطح معناداری $P < ۰/۰۰۱$ ، تابع ممیز به دست آمده از قدرت تشخیص خوبی برای تبیین متغیر وابسته (در دو سطح زنان متقاضی طلاق و عادی) برخوردار است. بنابراین فرضیه تحقیق تایید می‌شود.

جدول ۳. ضرایب استاندارد شده، غیراستاندارد، ضرایب ساختاری، ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز به روش همزمان برای متغیرهای پیش بین

کد متغیر	متغیر پیش بینی	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب طبقه ای	
				ضرایب ساختاری	گروه طلاق / گروه عادی
X_1	روارنجوری	۰/۳۳۴	۰/۰۱۳	۰/۲۳۹	۰/۵۴۸ / ۰/۴۱۸
X_2	برونگرایی	۰/۴۰۳	۰/۱۳۷	۰/۴۹۹	۰/۴۲۲ / ۰/۳۹۲
X_3	گشودگی	۰/۲۳۹	۰/۰۷۳	۰/۵۸۵	۰/۵۲۲ / ۰/۴۹۹
X_4	توافق پذیری	۰/۲۸۰	۰/۰۵۸	۰/۶۱۰	۰/۳۱۵ / ۰/۳۸۴
X_5	وظیفه شناسی	۰/۴۹۵	۰/۱۵۴	۰/۴۶۸	۰/۳۶۲ / ۰/۴۲۳
X_6	صمیمیت	۰/۳۸۵	۰/۱۰۸	۰/۳۴۰	۰/۵۶۹ / ۰/۴۴۶
	عدد ثابت	-	-۲۰/۲۱۴	-	-۲۵۶/۳۷۹ / -۱۸۲/۹۹۳

در جدول ۳. که ضرایب ساختاری روش همزمان اختصاص دارد. بزرگترین همبستگی بین توافق‌پذیری و طلاق (تابع ممیز) می‌باشد. به طوری که در جدول مشخص است به ترتیب متغیرهای توافق‌پذیری، گشودگی، برون‌گرایی، وظیفه شناسی، صمیمیت و روان‌رنجوری بالاترین همبستگی را با طلاق زنان (تابع ممیز) نشان می‌دهد. ضرایب طبقه‌بندی، برای طبقه‌بندی آزمودنی‌ها به گروه ۱ و ۲ یعنی گروه طلاق و گروه عادی

به‌کار شده‌اند. براساس ستون ضرایب طبقه ای جدول ۳ گروه طلاق در مقایسه با گروه عادی در متغیرهای روان رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، صمیمیت بالاتر و در متغیرهای توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی پایین‌تر است. با استفاده از ضرایب غیراستاندارد که در جدول ۳ آمده‌اند، معادله تابع ممیز را می‌توان به دست آورد. بنابراین، با قرار دادن نمره‌های هر زوج در تابع، نمره پیش‌بینی شده آن‌ها به دست می‌آید. با توجه به جهت (+ -) مرکزواره نمره‌های گروه متقاضی طلاق و گروه عادی چنانچه نمره ممیز به دست آمده مثبت باشد پیش‌بینی می‌شود که آن زن عادی و اگر منفی باشد پیش‌بینی می‌شود که آن زن متعلق به گروه متقاضی طلاق باشد. با توجه به ستون ضرایب غیراستاندارد و عدد ثابت تابع ممیز به روش همزمان معادله پیش‌بینی به دست آمد.

$$D = -20/214 + 0/013(X_1) + 0/137(X_2) + 0/73(X_3) + 0/58(X_4) + 0/154(X_5) + 0/108(X_6)$$

۹. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، نقش ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت در پیش‌بینی طلاق زنان در شهر تهران بود. نتایج به دست آمده از تحلیل آماری با استفاده از رگرسیون هم‌زمان بیان‌گر تایید فرضیه پیش‌بینی طلاق زنان بر پایه ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت است. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های زاهد بلبلان و مرادی (۱۳۹۳)، امانی، مجدوبی و هادیان (۲۰۱۸)، فاکر خراسانی، داوودآبادی، ذاکری و همکاران (۱۳۹۵)، رضایی و همکاران (۱۳۹۲)، زارعی محمودآبادی (۱۳۹۱)، شکرکن و همکاران (۱۳۸۹)، رابهیان (۲۰۱۵)، دکوایپر و همکاران (۲۰۱۲)، مینوت و همکاران (۲۰۱۰) همسو بوده است. نتیجه به دست آمده گویای این نکته است که هر چه شباهت ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت زنان با همسران خود کمتر باشد، پیش‌بینی شکست در رابطه زناشویی (طلاق) بیش‌تر خواهد بود و بر عکس هر چه شباهت بین متغیرها بیشتر باشد موفقیت در رابطه زناشویی بیشتر خواهد بود. مثلاً اگر یک زن با صمیمیت بالا باشد احتمال شکست در رابطه زناشویی بین او و همسرش کمتر از زوج یا صمیمیت پایین است.

نتایج این پژوهش نشان داد کلیه متغیرهای شخصیت (روارنجوری، برون‌گرایی، توافق‌پذیری، گشودگی، وظیفه‌شناسی) با طلاق زنان رابطه دارد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که زنان متقاضی طلاق تشابه شخصیتی کمتری نسبت با همسران خود دارند. در واقع

باید گفت زنان موفق در ازدواج به جای تفاوت در شخصیتشان معمولاً شباهت دارند و این مشابهت در نیازها و شخصیت است که با موفقیت در رابطه زناشویی رابطه دارند و نه تکمیل آنها. با توجه به این موضوع می‌توان گفت شباهت در ویژگی‌های شخصیتی با موفقیت در رابطه زناشویی رابطه دارد، و هر چه زنان شباهت بیشتری در ویژگی‌های شخصیتی با همسران خود داشته باشند، ازدواج آنها پایدارتر و رضایت زناشویی آنها بالاتر خواهد بود.

روان رنجورخویی یکی از صفات شخصیتی است که به دلیل آثار زیان باری که بر روابط زناشویی دارد مورد توجه مطالعات بسیاری قرار گرفته است. افراد روان رنجور بیش از دیگران به نگرانی، افسردگی و ادراکات غیر طبیعی مبتلا می‌شوند. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که افراد با روان رنجورخویی بالا، محرک‌های منفی ناچیز را درست مانند فشارهای منفی شدید مورد ارزیابی قرار می‌دهند. ویژگی روان رنجورخویی شامل داشتن احساسات منفی مانند ترس، غم، برانگیختگی، خشم، احساس گناه، احساس کلافگی دائمی و فراگیر مبنای عصبیت را تشکیل می‌دهند. افراد با روان رنجورخویی بالا نگرش منفی نسبت به خود دارند، انتظار موفقیت و احساس کارایی ندارند، احساس درماندگی می‌کنند و به دفاعی شدن تمایل دارند (داوری و احمدی، ۱۳۹۸: ۵۱). در واقع در افرادی که نمرات بالایی از این ویژگی را کسب می‌کنند، به هنگام مواجهه با شرایط مشکل ساز توانایی حل مساله کاهش می‌یابد و در نتیجه با کاهش میزان رضایت و سازگاری زناشویی، احتمال جدایی و طلاق افزایش می‌یابد (روان رنجورخویی در درجه اول فرایندهای درون روانی افراد در زمینه روابط زناشویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. کاهش کنترل تکانه‌های عصبی و تمایل به افکار منفی در افراد روان رنجور، دنیای درون فردی) یافته‌های اکثریت مطالعات بررسی شده در این مرور سیستماتیک نشان داد که روان رنجور خویی با رضایت زناشویی دارای یک ارتباط منفی است و به‌عنوان یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های کاهش رضایت زناشویی مطرح می‌باشد (صادقی، موتابی و دهقانی، ۱۳۹۶: ۳۹/۱-۴۸؛ صادقی و مژدهی، ۲۰۱۶).

در رابطه با صمیمیت نیز در تبیین این یافته می‌توان به این موضوع اشاره کرد که غالباً رضایت زناشویی (پایداری ازدواج) در برگیرنده میزان صمیمیت تجربه شده توسط زوج‌ها هستند. مفهوم پردازی رایج از صمیمیت عبارت است از سطح نزدیکی همسر،

اشتراک گذاری ایده‌ها و ارزش‌ها فعالیت‌های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن. در نتیجه زوج‌های صمیمی از رضایت زناشویی (پایداری ازدواج) بالاتری برخوردارند. در حقیقت فرد باید به درجه‌ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند. و زنانی که صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کنند، ازدواج پایدارتری را نیز تجربه می‌کنند. برخورداری از صمیمیت در بین زوج‌های متأهل، از عوامل مهم ایجاد ازدواج پایدار است و اجتناب از برقراری روابط صمیمانه از عواملی است که موجب شکست در زندگی خانوادگی خواهد شد (Bloom, 2006: 359-373).

همان‌طور که عنوان شد مدل پژوهشی مورد تایید قرار گرفت و به عبارت دیگر از روی متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت می‌توان شکست یا موفقیت در روابط زناشویی در زنان را پیش‌بینی نمود و براساس این مدل می‌توان یک الگوی پیشگیری از ازدواج‌های ناموفق و یا اصلاح نارسایی‌ها در عملکرد زناشویی را در زنان تدارک دید. به این دلیل که زنان در فرایند و بعد از طلاق آسیب‌پذیرتر هستند بنابراین برای پیشگیری از معضلات و مشکلاتی که طلاق برای زنان و جامعه به همراه خواهد داشت، بنابراین در آمادگی زنان برای ازدواج و نیز کمک به زنان برای آمادگی و مواجهه با مسائل ازدواج نباید اهمیت ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت را از نظر دور داشت. با داشتن این مدل کارآمد که براساس آن ارزیابی‌های شخصیتی و صمیمیت را پیش از ازدواج انجام پذیرد و درمان و مداخلات را افزایش دهند.

از محدودیت‌های این پژوهش حجم محدود آن بود که فقط زنان شهر تهران مورد ارزیابی قرار گرفتند و همچنین استفاده از پرسشنامه NEO فرم کوتاه بود. برای ارزیابی دقیق‌تر بهتر است از پرسشنامه NEO فرم بلند استفاده گردد. نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان در مشاوره‌های قبل از ازدواج به کار برد به طوری که با اجرای پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت می‌توان تا حدودی زنان مستعد طلاق را شناسایی کرد و در آن زمینه پیشنهادات یا جلسات مشاوره‌ای برگزار کرد.

کتابنامه

- برنشتاین، فلیپ اچ، برنشتاین، مارسی تی (۱۹۸۶). *زناشویی درمانی از دیدگاه رفتاری-ارتباطی*، ترجمه حسن پور، عابدینی نائینی و غلامرضا منشنی. (۱۳۸۸). تهران: انتشارات رشد.
- داوری، رحیم؛ احمدی، حشمت اله (۱۳۹۸). مدل ساختاری ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری معنویت در گرایش به خودکشی و سومصرف مواد. *اندیشه و رفتار*، دوره سیزدهم، شماره ۵۱، بهار ۱۳۹۸.
- رابهیان، فهیمه (۲۰۱۵). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در بین زوجین، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، *اقتصاد و علوم انسانی*، ۱۷ می ۲۰۱۵، استانبول: ترکیه.
- رفاهی، ژاله؛ گودرزی، محمود؛ میرزائی چهارراهی، مرتضی (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان، *جامعه‌شناسی زنان*، سال سوم، شماره یک، ۱۳۳-۱۱۷.
- روشن‌چسلی، رسول؛ شعیری، محمدرضا؛ عطری فرد، مهدیه؛ نیک‌خواه، اکبر؛ قائم‌مقامی، بهاره؛ رحیمی راد، اکرم (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی، پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی نئو (NEO-FFI)، *روانشناسی بالینی و شخصیت-دانشور رفتار سابق*، ۱ (۱۶): ۲۷-۳۶.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ علی، وردی نیا، اکبر، بهرامی؛ کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناسی میزان گرایش به طلاق شهرستان کرمانشاه. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۵، شماره ۱۴۰، ۹-۱۰۹.
- زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های میل به طلاق در زوج‌های عادی و متقاضی طلاق شهر یزد. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱.
- زاهدبابان، عادل؛ مرادی، مسعود (۱۳۹۳). *مقایسه صمیمیت، گذشت و استحکام خانواده در زوجین عادی و در حال طلاق*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی.
- شکرکن، حسین؛ خجسته مهر، رضا؛ عطاری، یوسفعلی؛ حقیقی، جمال؛ شهنی ییلاق، منیجه (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، دانشگاه شهیدچمران اهواز، دوره ۳، سال ۱۳، شماره ۱، ص: ۱-۳۰.
- صادقی، جمال؛ موتابی، رامین؛ دهقانی، هاجر (۱۳۹۶). مقایسه ناهم‌خوانی خودها در افراد متقاضی و غیر متقاضی. *روانشناسی خانواده*، دوره ۲، شماره ۱، ۳۹-۴۸.

- صادقی، سیما (۱۳۸۹). بررسی تأثیر اختلالات شخصیت بر سازگاری زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- صیادپور، زهره (۱۳۸۴). شیوه‌های دلبستگی و رضایت از ازدواج، *مجله مطالعات روانشناختی دانشگاه الزهراء*، ۱(۳)، ۱۹-۴۱.
- ظهیرالدین، علیرضا؛ خدایی فر، فاطمه. (۱۳۸۲). بررسی نیم‌رخ‌های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده تهران، *فصلنامه علمی پژوهشی فیض*، دوره ۷، شماره ۱، ۱: ۲۵-۷.
- فاکر خراسانی، حسین؛ داوودآبادی، حمید؛ ذاکری، اکرم؛ جان بزرگی، مسعود؛ داستانی، محبوبه (۱۳۹۵). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و آزاردیدگی جسمی و روانی در زنان همسرآزار دیده، *مقتضای طلاق و عادی. پژوهش در پزشکی*، دوره ۴۰، شماره ۳، ص: ۱۶۰-۱۵۵.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۰). *آزمون‌های روان‌شناختی - ارزشیابی شخصیت و سلامت روان*، تهران: بعثت.

- Amani, R; Majzooobi, M; & Hadian, K. (2018). Iranian Women in the Midst of Divorce and Women in the Normal State of Marriage, as Predictors of Divorce. Published online: 3 May 2018.
- Amato, P R., Booth, A., Johnson, D R. & Rogers, S J. (2008). Alone Together: How Marriage in America Is Changing, Massachusetts, *Harvard University Press publication*.
- Avidan, D.E., Yahiya, M, H., Green Baum, Ch. W. (2009). Divorce is a Part of my life Resilience, survival, and Vulnerability: Young adult' perception of the implications of parental divorce. *Journal of Marital and Family Therapy*, 35(2), 30-46.
- Bloom, B. L., Niles, R. L., & Tatcher, A. M. (2006). Sources of marital dissatisfaction among newly separated persons. *Journal of family issues*, 6(3), 359-373.
- Decuyper M, De Bolle M, De Fruyt F. (2012). Personality similarity, perceptual accuracy, and Negative coping as mediator in the relation between violence and outcomes: Inner-city African American youth. *American Journal Orthopsychiatry*, 72 (1), 102.
- Dyrenforth PS, Kashy DA, Donnellan MB, Lucas RE (2010). Predicting relationship and life Cognition and relationship maladjustment development of a measure of dysfunctional Personality and Social Psychology, 72, 1075-1092.
- Eggert, J. levendosky, A. Klump, K. Relationships among attachment styles, personality characteristics, and disordered eating. *International Journal of Eating Disorders* (2007). 40 (2): 149-155.
- Finzi, R., Cohen, O., & Ram, A. (2000). Attachment and Divorce. *Journal of family psychotherapy*, 11(1), 1-20.

- Ghodousi A. Evaluation the prevalence and severity of depression in women in divorcing. Proceedings of the 1st Congress of the Causes and Consequences of Divorce; 2002 Feb. 21-22; Isfahan, Iran.
- Hedayati Dana S, Saberi H. Prediction of marital Satisfaction Based on love Patterns (Intimacy, Commitment and Desire) and Anxiety. *J Famstu*. 2014; 10(4): 511-527.
- Mehta, P. (2012). Personality as a predictor of burnout among managers of manufacturing industries. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 32:321-328.
- Mptiee N. Opportunities for children in female headed households. *Women Journal* 1999; 8(53).
- Patrik, S. Sells, J. Giordano, F. Tollerud, T. (2007). Intimacy, differentiation and personality variables as predictor of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359-367.
- Quirk, S.E. (2015). Personality Disorder and Population Mental Health. *The Lancet Psychiatry*, 2(3): 201-212.
- Sadeghi A, Mozhdehi FK. (2016). Surveying the Relationship between Personality Traits and Attachment.
- Sodermans AK, Corijn M, Vanassche S, Matthijs K . (2016). Effects of personality on post-divorce Spousal alternatives and marital dissolution, *American Sociological Review*, vol. ۶۰, ۲۱-35.
- Trull TJ, Widiger TA.(2013). *Dimensional models of personality: the five-factor model*.
- Zandbergen DL, Brown SG. Culture and gender differences in romantic jealousy. *Personality and Individual Differences*. 2015 Jan 1; 72:122-7.